| تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۹/۲۶ | تاریخ پذیرش:۱۳۹۷/۳/۲۲ |

فرایند تربیت سیاسی در نظام اسلامی

محمدحسین خلوصی

سطح چهار جامعه‌المصطفی العالمیه، دکترای فلسفه سیاسی اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله، ایران، قم.

m.kholoosi@yahoo.com

چکیده

تربیت سیاسی در نظام سیاسی برخاسته از دین، متشکل از مبانی، اصول و اهداف است که متون دینی در تدوین آن نقش اساسی دارند. اهداف تربیت سیاسی با رویکرد اسلامی را از زوایای گوناگون می‌توان بررسی کرد. بررسی تربیت سیاسی با توجه به مراحل سنی افراد، کاربردی‌تر است. در این چارچوب تربیت سیاسی به عنوان فرایندی از امور غیرسیاسی آغاز می‌شود و سپس به مراحل بسیط‌تری از این امور می‌انجامد و سرانجام با پختگی سنی فرد، تربیت سیاسی نیز به طور مستقیم سیاسی می‌شود و مراحل عمیق‌تر آن تدوین می‌گردد. تربیت سیاسی در زمان کودکی به طور مستقیم سیاسی نیست. در دوره نوجوانی، فعالیت‌های سیاسی بسیط و آشناسازی با سیاست کانون توجه قرار می‌گیرد. در آغاز دوره جوانی فرد به عنوان شهروند وارد حوزه سیاسی می‌شود و در سیاست مشارکت می‌کند. در دوره بزرگ‌سالی، فرد از رابطه‌ای دوسویه و متقابل میان خود و دولت برخوردار می‌شود و می‌کوشد در این تبادل فکر و عمل، سیاست به مطلوبیت‌های واقعی خود نزدیک و نزدیک‌تر گردد. در این مقاله، در ویژگی‌های سنی عمدتاً از منابعی با روش‌های

تجربی تدوین گشته و در تعیین اهداف سیاسی مربوط به یک مقطع سنی، از منابع دینی استفاده شده است.

کلیدواژگان: سیاست، تربیت سیاسی، مشارکت سیاسی، بصیرت، مشورت، نصیحت.

مقدمه

حکومت دینی و سامان‌دهی جامعه مطلوب، پیش از همه به اعضایی نیازمند است که متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه تربیت شده‌اند. تربیت هم عامل موجده یک جامعه بسامان است و هم علت مبقیه آن. تربیت سیاسی فراگردی است مداوم، تکاملی و رشددهنده که نتیجه آن، رسیدن به کمال مطلوب و بلوغ سیاسی جامعه با توجه به فرهنگ سیاسی است. براین‌اساس تربیت سیاسی می‌کوشد ارزش‌های بنیادین سیاسی در یک جامعه را در ذهن و رفتار شهروندان نهادینه کند. تربیت عاملی است که می‌تواند همه اصلاحات لازم را با توجه به اهداف از پیش ترسیم شده، محقق سازد. این اهداف متناسب با دوره‌های زندگی افراد در این بخش سازمان‌دهی شده‌اند و چون با فرایند رشد انسان، به صورت تطبیقی بررسی می‌شوند، همانند خود مقوله رشد، از جایگاه فرایندی برخوردارند. تربیت سیاسی متشکل از مبانی، اصول و اهداف است که همگی بر اساس دیدگاه کلان در حوزه سیاست و جامعه قرار دارند. از سوی دیگر یکی از اهداف مهم دین و به‌ویژه دین اسلام، تربیت و تزکیه افراد عنوان شده است. ورود دین در حوزه سیاست و تسلط آن در کل قلمرو زندگی بشری، می‌طلبد که هر یک از علوم انسانی، مطابق با دستورها و مؤلفه‌های مشخص‌شده در دین در این حوزه، بازسازی شوند. ازآنجاکه دین تربیت را هدفی بنیادین در رسالت انبیا و انزال وحی می‌داند، منابع دینی درباره تربیت از غنای خوبی برخوردارند که می‌توان با استفاده از این منابع، تربیت مطلوب را اصطیاد کرد. در این مقاله ما صرفاً به فرایند تربیت سیاسی از نظر اسلام توجه داریم و این فرضیه را به آزمون می‌گذاریم: «تربیت سیاسی متناسب با سنین شهروندان تجزیه شده و از حوزه‌های بسیط آغاز می‌گردد. همراه با رشد سنی و فکری فرد است که تربیت نیز عمیق‌تر و مستقیم‌تر می‌گردد. برآیند مجموعه‌ای از این اهداف، کلیتی از تربیت سیاسی را ترسیم می‌کند که نظام سیاسی در صدد تأمین آن است».

با استفاده از متون دینی و برخی تجارب انسانی، به‌ویژه در دوره‌بندی‌های سنی انسان و ویژگی‌های رشد انسانی، تلاش می‌شود که این فرضیه اثبات گردد. چهار دوره کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگ‌سالی دوره‌هایی هستند که اهداف تربیتی در حوزه سیاست، متناسب با آنها بررسی خواهد شد.

۱. دوره کودکی

دوره کودکی که بدو تولد تا سـن دوازده سـالگی را در بر می‌گیرد به دو مقطع تفکیک می‌شـود که به دوره کودکی اول و دوم طبقه‌بندی می‌نمایند. این تفکیک از آن رو اهمیت دارد که در مقطع نخست، خانه محل تربیت کودک است و در مقطع دوم، محیط‌های بیرون از خانه چون مدرسه نیز در تربیت کودک نقش دارند. برخی ویژگی‌های رشـد کودک نیز در این دو مقطع با تفاوت‌هایی همراه اسـت. درک تربیـت کودک، اهمیـت والایی دارد؛ زیرا او در این زمان، همانند مزرعه‌ای اسـت که آمادگی پذیرش هر نوع بذری را دارد. در حدیثی از پیامبر اسـلام۶ اهمیت این مقطع زمانی این‌گونه کانون توجه قرار گرفته اسـت: «هر فرزند بر فطرت متولد می‌شـود و ثانیاً پدر و مادرش او را یهود یا نصارا و یـا مجوس می‌نمایند» (صـدوق، ۱۴۱۳، ج۲، ص۴۹). تجربیات اجتماعـی و تاریخی و تأکید نظریه‌های اجتماعی معاصر، همگی بر این اصل استوارند که سال‌های اولیه زندگی کودک در شکل بخشیدن به شـخصیت او و کسب نگرش‌های اجتماعی و سیاسی و ارزش‌های فرهنگی، سال‌های حسـاس و مهمی هسـتند. انسان‌شناسـان فرهنگی و روان‌کاوان اجتماعی که بـا موضوع پرورش و توسـعه شخصیت کودک و کسب ارزش‌های اجتماعی سروکار دارند، سال‌های اولیه زندگی کودک را در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی وی عامل اساسی می‌دانند (مهرداد، ۱۳۷۶، ص۶۰).

کودک در سنین بدو تولد تا هفت‌سالگی از این ویژگی‌های رشد برخوردار است:

۱. احساس شدید شخصیت: کودکان با ابزارهایی چون مهارت عمومی بدن و جلب حمایت و تمجید از دیگران، شخصیت خود را به دیگران نمایش می‌دهند. کودک حرکات اطرافیان را به‌صورت دقیق زیر نظر دارد و با توجه به این تشویق‌ها و تمجیدها و...، حرکت‌های دلربانه خود را تنظیم می‌کند؛

۲. تقلید از دیگران: این ویژگی به‌ویژه در سن پنج تا هفت سالگی بسیار قوی می‌گردد؛

۳. درک نخسـتین تصاویـر از جهـان: کـودک با پرسـش‌هایی کـه از اطرافیان خـود می‌کند، برداشـت‌هایش را از جهـان شـکل می‌دهـد و به‌این‌ترتیـب جهان‌بینی ابتدایی‌اش شـکل می‌گیرد؛

۴. بازی: در این دوره، بازی فعالیت اساسـی کودک اسـت که از پنج‌سـالگی به بعد قوی‌تر و رفته‌رفته متنوع‌تر می‌گردد (دبس، ۱۳۷۴، ص۳۹).

بایـد توجه کـرد که برای حفـظ و نگهداری یک فرهنگ سیاسـی و تضمین تـداوم آن، کودکان بزرگ‌ترین و شاید مهم‌ترین گروه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. این مسئله مهم می‌طلبد که آنان باید بر اساس ارزش‌های سیاسی یک نظام سیاسی جامعه‌پذیر شوند (مهرداد، ۱۳۷۶، ص۵۰). تربیت

سیاسی کودک در این زمان، درواقع غیرمستقیم است. کودک مسائلی را در زمینه‌های سیاسی می‌آموزد که در اصل سیاسی نیستند، ولی تمایلاتی در او رقم می‌زند که بر توسعه خودِ سیاسی او، اثرات چشمگیری می‌گذارد؛ به گونه‌ای که این اثرات در سال‌های اولیه، منجر به پیشرفت گرایش‌هایی می‌شود که بعدها و در طول زندگی او، در جهت اهداف سیاسی به کار گرفته می‌شوند. این اثرپذیری‌ها همچنین بر گرایش‌هایی که کودک بعدها کسب می‌کند، اثرات قاطعی می‌نهد و آنها را شکل می‌دهد (همان، ص۷۵). براین‌اساس اهدافی که در ادامه برشمرده می‌شود، در این مقطع سنی اهمیت دارند؛ زیرا کودک در آینده نقشی سیاسی در جامعه ایفا می‌کند. این نقش ممکن است در جایگاه انجام مسئولیت سیاسی و اجتماعی باشد و یا دست‌کم شخص در جایگاه شهروند قرار گیرد.

۱-۱. حسن ادب و عادات نیک

نخستین هدف در این مقطع سنی با توجه به بعد روانی کودک، نهادینه کردن ارزش‌ها در وجود وی به عنوان عادت است که برخی از این ارزش‌ها سیاسی هستند و یا در آینده، اهمیت فزاینده سیاسی دارند. در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ حسن ادب به عنوان یکی از حقوق کودکان بر والدین یاد شده است (ری‌شهری، ۱۳۸۵، ص۱۳۲). چه‌بهتر که تربیت به گونه‌ای عادت‌دهی شود تا ماندگاری بیشتری داشته باشد. امام علی ؑ فرمود: «العادة طبع ثانیاً؛ عادت طبیعت دومی است» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص۲۶). همچنین امام درباره تربیت خود توسط پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ اتِّبَاعَ الْفَصِيلِ أَثَرَ أُمِّهِ يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عَلَماً وَيَأْمُرُنِي بِالاقْتِدَاءِ بِهِ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲). قرآن مجید به پیامبر دستور می‌دهد: «وأمر اهلک بالصلوة واصطبر علیها» (طه، ۱۳۲) که در آن به پافشاری کردن بر انجام نماز توجه شده است.

عادت‌دهی کودکان به کارهای نیک حتماً باید از همان ابتدایی دوران کودکی آغاز شود؛ زیرا کودک خالی‌الذهن است و آمادگی بیشتری برای تربیت دارد؛ اما باید توان و اندازه درک کودک را در نظر گرفت و تأکید بر آن است که این فرایند به طور غیرمستقیم صورت گیرد. امام علی ؑ به فرزندش می‌نویسد که پیش از آنکه قلبت سخت گردد و اشتغال‌های فراوان ذهن تو را فرا گیرد، به تأدیب تو پرداختم (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). امام صادق ؑ نیز از رسول اکرم ﷺ درباره مؤمنانی که کودکان خود را در انجام کارهای نیک یاری می‌کنند، چنین روایت کرده است: «رحم الله من اعان ولده علی بره» (کلینی، ۱۴۲۹، ج۱۱، ص۴۵۰).

ممکن است بحث درباره تربیت عقلی و اخلاقی کودک در دوره شیرخوارگی مبالغه‌آمیز به نظر

برسـد؛ اما در این دوره دو حس در کودک ظاهر می‌شـود: هوش حسـی (حرکتی که از طریق یافتن راه‌حل‌های خاص انطباق طفل را با اوضاع جدید میسر می‌سازد) و هوش زبانی که به علامات یعنی کلمات مرتبط اسـت. در طی سـه سال نخست اخلاق و رفتار کودک در برابر مادر و پدر و برادران و خواهران خود و اشخاص بیگانه هنوز به صورت ثابت درنیامده است؛ اما پس‌ازاین رفته‌رفته صورتی ویژه به خود می‌گیرد و به مسیری معین می‌افتد (دبس، ۱۳۷۴، ص۳۱). از سه‌سالگی به بعد رفتارها شـکل عـادت به خـود می‌گیرند و در این زمان دشـواری بزرگ کار مربی این اسـت که با مجموعه عـادات اخلاقـی، میان جنبـه طبیعی و هوسـبازانه و طغیان‌های غریزی کودک تعادلـی ایجاد کند. باید متوجه بود که اخلاق مبتنی بر عادت، هرچند بر اثر محبت تلطیف شـده باشـد، صورت بسیار ابتدایی از اخلاق اجتماعی است؛ ولی تنها اخلاق ممکن در این مرحله است (همان، ص۶۱).

چنین وضعیتی از دو لحاظ اهمیت دارد:

۱. تـلاش برای انتقال سـجایای اخلاقی صحیح؛ زیرا کودک خود قادر به درک صحت‌وسـقم ارزش‌های ارائه‌شده نیست؛

۲. اولویت‌سنجی و ترتیب‌دهی منظم از ارزش‌ها تا از همان آغاز توجه داشته باشد که بسیاری از سجایای اخلاقی ارائه‌شده به او، از اعتبار و منزلتی بالا برخوردارند.

عادت دادن کودک به سـجایای اخلاقی، درواقع راهی است برای انتقال فرهنگ سیاسی جامعه به او. کودک باید با سازوکارهایی چون تشویق و تنبیه، بیاموزد که برخی رفتارهای غریزی و طبیعی خـود را تـرک کند و به برخی دیگر بیشـتر اهمیـت دهد و رفتارهای مناسـب و مطلوب اجتماعی را بشناسد (مهرداد، ۱۳۷۶، ص۵۶). اگر بتوان این فرایند را به گونه‌ای مطلوب طی کرد و کودک را در این دوره زمانی و با این سـجایا پرورش داد، به گونه بارزی در مراحل سـنی بالاتر با ناهنجاری‌های کمتـری مواجـه خواهد بود. امـام علی علیه‌السلام خطاب به فرزنـدش، تربیت وی را چنیـن بازگو می‌کند: «و [در تربیـت تـو] از آموزش قرآن کریم و تفسـیر آن و آموزش احکام اسـلامی و حلال و حرام آن آغـاز کـردم» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). آن حضرت خطاب به پسـرش محمد حنفیـه، چنین فرمود: «فرزندم، به همه انسـان‌ها نیکی کن؛ همان‌گونه که انتظارداری نسـبت به تو نیکی کنند. آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران بپسند و آنچه از دیگران زشت و ناپسند می‌شماری، برای آنان نیز زشت و ناپسند شمار» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج۸، ص۵۴۱).

اما چه ارزش‌هایی را باید به عنوان عادت به کودکان منتقل کرد؟ چنان‌که پیش‌تر گفته شـد، در این دوره اهداف مسـتقیماً سیاسـی وجود ندارد، بلکه تربیت سیاسـی به شکل غیرمستقیم صورت می‌گیرد. ازاین‌رو آن دسـته از ارزش‌های سیاسی‌ای که از سویی در عرصه سیاست مهم هستند و از

سوی دیگر برای کودکان مراتب سهل‌تری دارند، در اولویت قرار می‌گیرند. در این میان ارزش‌هایی نیز هستند که به طور مشخص باید در آموزش و تربیت کودکان کانون توجه قرار گیرند و البته محدود به اهداف سیاسی نیستند؛ چنان‌که بریده از آن نیز نمی‌باشند. حسن ادب، آموزش وحدانیت الهی، نبوت پیامبر اسلام ﷺ امامت و محبت اهل‌بیت ﷺ و تعلیم قرائت قرآن از محورهایی هستند که آموزششان در اوایل دوران کودکی، به طور خاص مورد تأکید احادیث است (ر.ک: ری‌شهری، ۱۳۸۵، ص۱۳۸).

به‌علاوه برخی دیگر از سجایای اخلاقی وجود دارند که در تربیت سیاسی کودک در آینده مهم به نظر می‌رسند: احترام به والدین، احترام بزرگان و مربیان، رعایت حقوق دیگران، حفظ آداب و شئونات، پرهیز از بدزبانی و لجاجت، قناعت و ساده‌زیستی، پرهیز از اسراف، رازداری و دوری از عافیت‌طلبی، صداقت و پرهیز از دروغ، حمایت از مظلوم و ناسازگاری با ظلم، برخی ارزش‌های مهمی هستند که در آینده تأثیرات بزرگ سیاسی از خود به جا می‌گذارند. ازاین‌رو بر متصدیان تربیتی لازم است تا به گونه‌ای صحیح این ارزش‌ها را به کودک منتقل کنند و او را با این سجایا پرورش دهند.

باید به این نکته نیز توجه کرد که تربیت کودک در هفت سال نخست، باید به‌دور از هر گونه اجبار باشد. در این مقطع سنی چنان‌که پیامبر اسلام ﷺ فرمود، کودکان نیازمند آزادی بیشتر هستند: «الْوَلَدُ سید سَبْعَ سِنِینَ وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِینَ وَوَزِیرٌ سَبْعَ سِنِینَ» (عاملی، ۱۴۰۹، ج۲۱، ص۴۷۴).

برای تأثیرگذاری بیشتر، کودکان باید به‌وضوح ببینند که این ارزش‌ها در خانه و خانواده و رسانه‌ها جایگاهی محکم دارند؛ زیرا کودک در عادت کردن به رفتارها ابتدا رفتاری را می‌بیند، آن را انجام می‌دهد و نتیجه‌ای می‌گیرد سپس آن را تکرار می‌کند و به صورت عادت درمی‌آورد (احمدی، ۱۳۶۸، ص۱۶۹). برای نمونه اگر در خانه برخورد والدین با کودک با انعطاف‌پذیری و ملایمت همراه باشد، تصوری که کودک از رهبران سیاسی و چگونگی اقتدار آنان خواهد داشت، تصویری انعطاف‌پذیر و آزادی‌خواهانه است. برعکس چنانچه والدین افرادی سخت‌گیر و متعصب باشند، تصویر ذهنی کودک از مسئولان و رهبران سیاسی به همان نسبت انعطاف‌ناپذیر و سخت‌گیرانه خواهد بود (مهرداد، ۱۳۷۶، ص۷۶).

۲-۱. معرفی الگوهای مناسب

به سبب برانگیخته شدن حس تقلید در کودکان، معرفی الگوهای مناسب برای کودکان در این زمان نقش بسیار مهم سیاسی در آینده دارد. اگر خویشتن سیاسی در کودک وجود داشته باشد و یا در

آینده چنین خویشتنی ایجاد شود، ساخت مطلوب این موضوع از طریق معرفی الگوهای مناسب در کودکان صورت می‌گیرد. الگوهای زندگی، اسطوره‌ای و حتی بازی‌های کودکان به گونه‌ای باید گزینش شوند که ارزش‌های سیاسی در درون آنها به نحو غیرمستقیم گنجانیده شده باشد.

۱-۲-۱. والدین

در آغاز تولد کودک، والدین هستند که نقش الگودهی به کودک را دارند. رفتار آنان به عنوان سرمشق رفتاری کودک صورت‌بندی می‌شود. ازاین‌رو توجه والدین بر این امر از اهمیت بسزایی برخوردار است. امام کاظم(ع) فرمود: «یحفظ الاطفال بصلاح آبائهم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۶۸، ص۲۳۶). گفتنی است که بسیاری از رفتارهای غیرسیاسی والدین در آینده، نتایج بسیار مهم سیاسی برای کودکان خواهد داشت. برای نمونه کودکی که در کنار چند والدین غیرحقیقی به‌صورت متناوب بزرگ می‌شود، عملاً عدم اعتماد به بزرگسالان را آموزش می‌بیند و یا کودکی که در محیط پرخشونت و پرتبعض یک خانواده بزرگ می‌شود و همیشه از فقدان امنیت رنج می‌برد، به این نتیجه می‌رسد که رفتار بزرگان غیرمسئولانه و خودسرانه است (مهرداد، ۱۳۷۶، ص۳۱۱).

در این نقش، والدین باید پیش از همه محبت به فرزندان را در نظر داشته باشند تا در آینده کودک دچار بی‌اعتمادی سیاسی نگردد. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «احبوا الصبیان وارحموهم» (عاملی، ۱۴۰۹، ج۵، ص۱۲۹). سپس رعایت عدالت و عدم تبعیض در برخورد با کودکان مهم است که کودک چنین می‌پندارد که رفتار والدین خودسرانه و غیرمسئولانه نیست. امام علی(ع) فرمود: «اعدلوا بین اولادکم» (همان، ص۱۱۵). پیامبر نیز فردی را که این سفارش مهم را رعایت نکرده بود، سرزنش فرمود: «چرا مساوات میان دو فرزندت را رعایت نکردی» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص۲۲۰). پرهیز از خشونت و افراط در سرزنش‌ها، چنان‌که امام علی(ع) فرموده است، موجب می‌شود که لجاجت در شخصیت سیاسی کودک راه نیابد: «الافراط فی الملامة یشب نیران اللجاج» (حرانی، ۱۳۶۳، ص۸۴). سرانجام دادن آزادی لازم به کودکان و گذشت در برابر برخی رفتارهای نامطلوب آنان نیز در پرورش مطلوب سیاسی کودک مهم است. رسول مکرم اسلام(ص) فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بِرِّهِ قَالَ قُلْتُ كيفَ يعِينُهُ عَلَى بِرِّهِ قَالَ يقْبَلُ مَيسُورَهُ وَيتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يرْهِقُهُ وَلَا يخْرَقُ بِه» (کلینی، ۱۴۲۹، ج۱۱، ص۴۵۰). افزون بر آن، مداومت والدین در حفظ شئون دینی و سیاسی، به‌ویژه چگونگی برخورد آنان با مسائل سیاسی، رهبران و فعالان سیاسی به نحو غیرمستقیم بر فرزندان تأثیر می‌گذارد و والدین باید با توجه و مراقبت لازم به این موضوعات بپردازند.

۲-۲-۱. شخصیت‌های اسطوره‌ای

پس از والدین، معرفی شخصیت‌ها به عنوان الگوهای حماسی و قهرمانان تاریخی از اهمیت فزاینده برخوردار است. این حس در کودک، در سال‌های پنج تا هفت‌سالگی به اوج می‌رسد و کودک در این سنین از داستان‌های خارق‌العاده و عجیب خوشش می‌آید و شخصیت‌های خیالی را ابداع می‌کند و امور واقعی را با خیال درمی‌آمیزد. مطالعاتی که در کشورهای مختلف بر روی کودکان صورت گرفته، نشان می‌دهند که گرایش‌های سیاسی‌ای که در سال‌های اولیه در کودک پدید می‌آیند، عموماً جنبه مثبت دارند. رهبران و دیگر نمادهای سیاسی اغلب با دید دوستانه و با حالتی محبت‌آمیز تصویر می‌شوند (مهرداد، ۱۳۷۶، ص۶۵).

نقش اساسی مربیان در این زمان است؛ آنان باید با درک صحیح از نیازمندی کودک، اسوه‌های راستین و قهرمانان واقعی دین را به او معرفی کنند تا با این وسیله ارزش‌های دینی در حوزه سیاست به کودک منتقل شود. استفاده از داستان‌های حماسی صدر اسلام و ارائه تصویری قهرمانانه از آن در ذهن کودکان، می‌تواند ماندگار گردد و به‌ویژه در ایجاد اعتماد به نفس، هویت، ظلم‌ستیزی و استقلال که در آینده به نحو بارزی سیاسی هستند، تأثیرگذار باشد.

۳-۲-۱. بازی‌ها و سرگرمی‌های مناسب

سرانجام ازآنجاکه بازی در این سنین اهمیتی فزاینده دارد و چنان‌که امام صادق(ع) فرمود: «دع ابنک یلعب سبع سنین» (کلینی، ۱۴۲۹، ج۱۱، ص۴۴۱)، باید کودکان را با بازی‌های مبتنی بر هویت و ارزش‌های دینی در حوزه سیاست سرگرم کرد.[۱] در تدوین بازی‌های مناسب، نقش اصلی و تعیین‌کننده را دولت و نهادهای تربیتی به عهده دارند و کار والدین صرفاً رساندن این محصولات به کودکان است. افزون بر بازی، نرم‌افزارها و فیلم‌های کودکانه که با توجه به رویدادهای تاریخی بازسازی شده‌اند و یا ارزش‌های سیاسی مطلوب در آنها با هنر درآمیخته است نیز نقش مهمی در تربیت سیاسی کودکان دارند؛ به‌ویژه آنکه دین اسلام و تاریخ تشیع سرمایه‌های فراوانی نیز در این زمینه دارد؛ جنگ بدر، فتح خیبر، فتح مکه، جنگ احزاب، حادثه عاشورا و بسیاری دیگر از وقایع تاریخی اسلام، قهرمان‌هایی راستین در درون خود دارند که هم حاوی ابعاد حماسی‌اند و هم ارزش‌های بنیادین سیاسی در درون آنها قرار گرفته است؛ اما مهم آن است که این داستان‌های

۱. در یکی از گزارش‌های صدا و سیما آمده بود که سازمان‌های وابسته به وزارت دفاع امریکا بازی‌هایی را برای کودکان تولید می‌کنند که کودکان را برای برخوردهای جدی با تروریسم و به طور مشخص القاعده اقناع می‌کند. بازی‌ها به گونه‌ای طراحی شده بود که کودکان باور می‌کردند هر چه بر سر این گروه بیاید، لازم است.

تاریخی به سبک کودکانه بازسازی شوند و در قالب فیلم‌های کودکانه روایت گردند.

در دوره کودکی دوم، کودک در مقایسه با سنوات قبل، هم از رشد جسمانی و رشد عقلانی بیشتری برخوردار شده و هم ارتباط او از فضای محدود خانواده به بخش دیگری از حوزه‌های جامعه کشانده شده است. در این دوره شخصیت کودک باثبات‌تر می‌شود؛ بحران عمیق شخصیت دیده نمی‌شود و می‌توان گفت کودک عاقل‌تر می‌گردد. ظهور مفهوم اجمال برگرفته از فکر در برابر مفاهیم برگرفته از مناسبات (نخستین برداشت های مفهومی کودک که بر اثر تفکر حاصل شده نه در اثر مناسبات)، علاقه به کار و سن دانایی و عقل به‌ویژه فعال شدن حافظه، ظهور استعدادها به‌ویژه برخی مظاهر هنر، و میل به زندگی اجتماعی از ویژگی‌های این دوره است. شاگرد دبستان به زندگی گروهی نیاز دارد و این میل بسیار شدید است (دبس، ۱۳۷۴، ص۶۵-۶۸).

این دوران که برابر با دوران آموزش ابتدایی در نظام آموزش غالب کشورهاست، از اهمیت بسیاری به‌ویژه از لحاظ تکوین شخصیت سیاسی و اجتماعی و ساخت فرهنگ عمومی شهروندی برخوردار است. برخی اهداف تربیتی در حوزه سیاست، بدین قرارند:

۳-۱. اهداف تربیتی

۱-۳-۱. نظم‌پذیری

نظم‌پذیری از مؤلفه‌های بسیار مهم در حیات سیاسی و اجتماعی است. امام علی(ع) خطاب به فرزندانش درباره اهمیت نظم فرموده است: «شما را و تمام فرزندان و خاندانم را و کسانی را که این وصیت به آنها می‌رسد، به ترس از خدا و نظم در امور زندگی و ایجاد صلح و آشتی در میانتان سفارش می‌کنم» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷). به سبب اهمیت فزاینده این موضوع، خوب است که اعضای جامعه از همان دوره کودکی به آن عادت کنند. نخستین جرقه نظم‌پذیری را می‌توان از همان آغاز تولد در نظر گرفت؛ ارضای دو احتیاج عمده، یعنی احتیاج به خور و خواب فرصتی برای نخستین نظم‌بخشی تربیتی است. شیر خوردن و خوابیدن و شست‌وشو شدن و گردش رفتن در ساعات معین، عاداتی هستند که بسیار زود در حرکات و سکنات بدن کودک سالم نقش می‌بندند (دبس، ۱۳۷۴، ص۲۵). کودک اگرچه به‌صورت بالفعل یک فعال سیاسی نیست، اما در آینده احتمالاً نقش سیاسی دارد؛ دست‌کم آنکه در آینده یک شهروند است که خود وظایفی سیاسی بر عهده دارد. ازاین‌رو لازم است که این مسئولیت‌ها از همین زمان به او آموزش داده شوند. در مراحل بعدی، رعایت نظم و انضباط در مدارس و دقت در انجام تکالیف در موعد مقرر عملاً همان نظم‌آموزی است که نتیجه‌اش خو گرفتن کودکان با نظم و انضباط است.

۲-۳-۱. مشارکت‌دهی در امور بسیط سیاسی

شـاگرد مدرسه (از هفت‌سالگی به بعد) شیفته فعالیت است. فعالیت او نشانه نیروی فزاینده و شور و نشـاط حیاتی شدید و سـازگاری‌اش با عالم اشیاست. این فعالیت که متنوع و بازی‌گونه است، به فعالیت ما بزرگ‌سالان نزدیک‌تر است و به صور گوناگون نمایان می‌شود (همان، ص۷۰). نظریات و احساسات کسب‌شده در دوران کودکی، پایه و اساسی هستند که گرایش‌های سیاسی که کودک در ادوار بعدی کسب می‌کند، روی آنها بنا می‌شود. به‌عبارت‌دیگر وقایعی که بعدها در زندگی سیاسی کـودک رخ می‌دهند و تجربیاتی که بعداً برایش حاصل می‌شـوند، غالبـاً در چارچوب گرایش‌های اولیه‌ای که کودک در سـنین اولیه کسب کرده اسـت ارزیابی و تحلیل می‌شوند. چنین تجربیاتی در حکم عینکی سیاسـی اسـت که شخص به چشـم می‌زند و به‌وسـیله آن جهان سیاست را مشاهده می‌کند (مهرداد، ۱۳۷۶، ص۳۷). براین‌اساس مشارکت‌دهی کودکان در امور سیاسی باید کاملاً با مراقبت همراه باشـد. درواقع اولویت‌بندی در این‌گونه فعالیت‌ها نشان‌دهنده اهمیت این اولویت‌ها برای کودک است که با این مشارکت‌ها ترجیحات سیاسی او شکل می‌گیرد.

در ایـن زمـان چنان‌که کودک از اولیـا و مربیان خویش وفـاداری به میهن و رهبران سیاسـی را می‌آمـوزد، این نکته را نیز فرامی‌گیرد که باید به خواسـته‌های آنان گـردن نهند؛ زیرا برای کودک بین وفاداری به رهبران و مسـئولان از یک سـو و تمکین و اطاعت از آنها از سـوی دیگر، تفاوتی وجود ندارد. برای کودک، خوب بودن معادل است با تمکین و فرمان‌برداری (همان، ص۳۵).

این فعالیت‌ها را می‌توان شـامل مشارکت در تظاهرات و راهپیمایی‌های ملی و شناخت کشور، رهبری نظام، برخی نهادها و فعالان سیاسـی چون قوای سـه‌گانه حاکمیت، نمادهای سیاسی چون پرچم، سـرود ملی و مسائلی از این دست عنوان کرد. همچنین مشارکت در انتخابات دانش‌آموزی مدرسـه، مشارکت‌دهی در کارهای گروهی و محول سـاختن برخی فعالیت‌ها به خود کودکان برای کسـب آمادگی‌های مناسـب نیز باید کانون توجه مربیان قرار گیرد. مشـارکت‌دهی در فعالیت‌های جمعی نتایجی به همراه دارد که اختصاراً بدین شرح‌اند:

۱. پرورش حس همکاری: زمانی که انسـان متولد می‌شـود، تنها از برخی ویژگی‌های زیستی و استعداد بالقوه برخوردار است. در میان استعدادهای بالقوه او، استعداد اجتماعی شدن و آمیزش احساسـی و عاطفی با دیگر انسان‌ها قرار دارد که اساس روابط اجتماعی را تشکیل می‌دهد (همان، ص۵۵). در تربیت سیاسـی تلاش می‌شـود که این ارتباط به نحو مطلوب مدیریـت گردد. آموختن این مطلب به کودکان که بسـیاری از کارهای سیاسـی به صورت جمعی امکان‌پذیرند و اینکه برای رسیدن به هدفی سیاسی باید با دیگران ارتباط برقرار کرد

و همکاری نمود، یکی از محورهای مهم در مدیریت ارتباط کودک با جامعه است؛

۲. پرورش روحیه انتقادپذیری: کودکان با مشـارکت در کارهای گروهی به‌زودی درمی‌یابند کـه انجام کارهای گروهی به صبر و حوصله نیاز دارد و برای انجام بهتر امور لازم اسـت با همدیگر همکاری کنند؛

۳. آشـنایی بـا هنجارها و قوانین: مشـارکت‌دهی کودکان در امور سیاسـی، آشـنایی آنان با برخـی قواعد و هنجارهای سیاسـی را به همراه خواهد داشـت. این فراینـد باید به گونه‌ای صحیح مدیریت شـود تا کودکان بتوانند هنجارهای مهم در حوزه سیاسـت را دریابند؛ زیرا اخلاق کودک در دوره دبستان مبتنی بر قرارداد است و او در ارتباط با این قواعد و قانون‌های اخلاقی، مطلق‌اندیش است؛ یعنی آنچه را به عنوان قانون اخلاقی بپذیرد، همیشه صادق و لازم‌الاجرا می‌داند و به شرایط و انگیزه‌های رفتار کاری ندارد (کاظمی، ۱۳۷۷، ص۴۲).

۲. دوره نوجوانی

بلوغ جسمانی همراه با آثاری در روحیات، برخوردها و تمایلات است؛ زیرا دوران بلوغ درواقع تحولـی کیفی در دیدگاه‌ها، موقعیت اجتماعی و نقش انسـان در جامعـه ایجاد می‌کند. نوجوان در پایان سیزده‌سـالگی و ورود به چهارده‌سـالگی، به دلیل توانایی درک روشـن‌تر مسـائل و شـناخت شـخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی به کسـب اطلاعات و معلومات بیشـتری درباره آنها علاقه‌مند اسـت. در ایـن دوران خـود را فردی اجتماعی می‌انگارد که مسـئولیت‌هایی بر عهده دارد و هسـته سیاسـی جامعه اسـت و بدین‌ترتیب احسـاس برخورداری از «خود سیاسـی» می‌کند (منصوری، ۱۳۷۹، ص۹۳). مطالعاتی که درباره نوجوانان بین سـنین ۱۳ تا ۱۸ سال انجام شده، نشان می‌دهد که آنان به گونه‌ای فزاینده به مسـائل سیاسـی علاقه نشان می‌دهند و وقایع سیاسی را دنبال می‌کنند؛ درباره احزاب و جریان‌های سیاسـی و نقش و سیاست‌های آنها اظهارنظر نموده، در گروه‌بندی‌های سیاسی مشارکت می‌کنند. همچنین از تفکر ایدئولوژیک برخوردارند (مهرداد، ۱۳۷۶، ص۶۸). به نظر می‌رسد که انتخاب سنین ۱۵ و ۱۶ سال به بالا برای شرکت در انتخابات در کشورهای مختلف، معلول همین ویژگی‌های دوره نوجوانی اسـت. براین‌اسـاس اهداف تربیت سیاسـی برای نوجوانان چنین بازسازی می‌شود:

۲-۱. شکل‌دهی شخصیت سیاسی

از اوایـل سیزده‌سـالگی به بعد، نوجوان با توجه بـه تجربیات و اطلاعـات و موقعیت اجتماعی، تا

حدی شـرایط و اوضاع‌واحوال سیاسـی را درک می‌کند و تلاشـش برای کسـب اطلاعات بیشتر در راسـتای ایفای نقش اجتماعی و تقویت «خود سیاسـی» افزایش می‌یابد. در این زمان شـخصیت اعتقادی و به‌موازات آن روحیه اسـتقلال شـکل می‌گیرد که درواقع مکمل و تقویت‌کننده شخصیت سیاسی و احساس شهروندی است (منصوری، ۱۳۷۹، ص۹۱). سیاست به‌تدریج حالت ابهام‌آمیز و نمادین خود را از دست می‌دهد و واقعیت‌ها جای‌گزین آنها می‌شوند. انگیزه‌های درونی شخص درباره مشـارکت سیاسی ابعاد گسترده‌تری می‌یابد و ارتباطات او با نهادها دولتی و مشکلاتی که در این زمینه‌ها ممکن اسـت پیش آید، جهان سیاسـی او را پیش از گذشته با واقعیت‌ها مواجه می‌سازد (مهـرداد، ۱۳۷۶، ص۳۸). جوان در ابتـدای حرکت اجتماعی، آرزوهـا و آرمان‌های بلندی دارد. همیـن آرمان‌گرایی مسـتلزم آن اسـت که جوان صاحب تخیـلات و ذهنیات گوناگـون و حتی دور از واقعیـات باشـد. لذا در میـان جوانان، تخیل و تصور وضع ایدئال بر واقع‌بینی و درک مشـکلات غلبه دارد (منصوری، ۱۳۷۹، ص۹۹). او خود سیاسـی‌اش را با توجه به این آرمان‌گرایی و شـور و اشتیاق در فعالیت‌های سیاسی شکل می‌بخشد. ازاین‌رو بهتر است تربیت سیاسی مطلوب، به‌ویژه شخصیت سیاسی نوجوانان از طریق راهکارهای زیر شکل داده شوند:

۱-۱-۲. مبانی دینی

در جامعـه دینی، دین اسـت که نقـش بنیادین را در تربیت جامعه از جملـه نوجوانان بر عهده دارد. ایـن مهم می‌طلبد که مبانی دینی، گفتمانی از اهداف والای دینی را به‌صورت ملموس و عینی برای نوجوانان ارائه دهد تا جوانان آرمان‌های خود را با توجه به این اهداف ترسیم کنند.

سـه ارزش اساسی در حوزه سیاست یعنی عدالت‌خواهی، حق مداری و ظلم‌ستیزی در تربیت نوجوانان باید کانون توجه باشـد. قرآن کریم درباره عدالت و اهتمام‌ورزی به آن می‌فرماید: (یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا کونُوا قَوَّامِینَ بِالْقِسْـطِ شُهَداءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلی أَنْفُسِکمْ أَوِ الْوالِدَینِ وَالْأَقْرَبِینَ) (نساء: ۱۳۵). عدالت‌خواهـی در نوجوانان باید به گونه‌ای پرورده شـود که هیچ‌چیـزی مانع عدالت‌خواهی، حتی روابط نزدیک خویشـاوندی و تباری نگردد. در آیه دیگر خداوند مقرر کرده است که عدالت را باید در همه‌جا، حتی نسـبت به دشـمنان باید رعایت کرد: (یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا کونُوا قَوَّامِینَ لِلَّهِ شُـهَداءَ بِالْقِسْـطِ وَلا یجْرِمَنَّکمْ شَـنَآنُ قَوْمٍ عَلی أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوی وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِما تَعْمَلُونَ) (مائده: ۸).

حق‌مـداری و حقیقت‌خواهـی نیـز از دیگـر مؤلفه‌های مهم در حوزه دین اسـت که بر اسـاس سـفارش‌های دینـی، باید در تربیـت کانون توجه قرار گیـرد: (إِنِ الْحُکـمُ إِلَّا لِلَّهِ یقُـصُّ الْحَقَّ وَهُوَ

خَيرُ الْفاصِلِينَ) (انعام: ۵۷). در این آیه به دو نکته توجه داده شـده اسـت: یکی ارزش خود حق و حق‌گرایی و دوم ارتباط آن با خداوند؛ یعنی حقیقت را باید از خداوند اخذ کرد. توجه به مبانی دینی در حق‌گرایی برای رسـیدن به حقیقت واقعی، نیازمند توجه بیشـتر است تا از بدل گرفتن امور دیگر بـه جای حقیقت (به‌ویژه در مـورد نوجوانان که معمولاً از قدرت تحلیل داده‌ها برخوردار نیسـتند) جلوگیری شـود. براین‌اسـاس نوجوانان در جامعه اسلامی باید هم حق‌گرا باشند و هم حقیقت را با معیار دیانت و انتساب به خداوند مبنای عمل قرار دهند.

ظلم‌ستیزی از دیگر ارزش‌های بنیادین سیاسی در دین مقدس اسلام است که سفارش‌های فراوانی درباره‌اش شده است. قرآن کریم می‌فرماید: (وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ) (هود: ۱۱۳). در احادیث ائمه معصوم: نیز از ظلم‌ستیزی به عنوان حقیقتی دینی یاد شده و مؤمنان موظف شده‌اند که دشمن ظالم و یاور مظلوم باشند: «كنْ لِلْمَظْلُومِ عَوْناً وَ لِلظَّالِمِ خَصْماً» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص۴۸۱). ازاین‌رو لازم است جامعه اسلامی در بدو تشکیل شخصیت سیاسی شهروندانش، اهمیت این آموزه‌ها را به آنان یادآور شود و با این روحیه، شهروندان آینده را تربیت کند.

۲-۱-۲. هویت تاریخی

هویت تاریخی از دیگر مبانی مهم در شـکل‌دهی شـخصیت سیاسی است. هنگامی که کودک به مدرسـه می‌رود، تعلیم تاریخ بیش از هر چیز یاد گرفتن مفهوم زمان را تسهیل می‌کند. همه مردم می‌دانند که شاگرد دبستان تاریخ را به سبب جنبه داستانی و اعجاب‌انگیز آن دوست می‌دارد؛ و این درس، تخیل و سپس میلش به حادثه‌جویی را تحریک می‌کند (دبس، ۱۳۷۴، ص۸۰). براین‌اساس بازسـازی داستان‌های حماسی تاریخ اسـلام و امامان می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در سیاست‌فهمی کودک و تربیت سیاسـی داشـته باشـد. این کار سیاست‌گذاران تربیتی اسـت که به گونه‌ای مطلوب متـون تاریخی را در این زمینه سـازمان‌دهی کنند. درک این نکته که جـوان در چه جامعه‌ای زندگی می‌کنـد، جامعه‌اش چه فراز و فرودهای تاریخی‌ای را پشت‌سـر گذاشـته و اکنون در چه مرحله‌ای قرار دارد، عوامل مؤثر در شـکل‌گیری شخصیت سیاسی‌اند. نقش الگوهای تاریخی در این قسمت مهم است.

۲-۲. آشناسازی با قوانین، ساختار، گروه‌ها و تشکلات سیاسی

جهان سیاسـت مملو از قوانین، تعهدات، میثاق‌ها، آیین‌نامه‌ها، بازیگران و شـخصیت‌های سیاسی است که آشناسازی نوجوان با این مقولات در حکم گشودن درب جهان سیاست به روی آنان است.

بلوغ سیاسی برآیندی است که درنتیجه این آگاهی‌ها حاصل می‌شود. در نتیجهٔ این آشناسازی، باید شـخصیت سیاسـی کودک شکل گرفته باشـد. محتوای این شـناخت از خود سیاسی عبارت است از: وفاداری به میهن و احساسـات میهنی، وابسـتگی‌های عاطفی و احساسـی نسـبت به یک گروه اجتماعی، سیاسـی، دیدگاه‌ها و ارزیابی‌های فرد درباره مسـائل مختلف و شـخصیت‌ها، آگاهی‌ها و دارا بـودن دانش‌هـا و اطلاعات درباره سـاخت‌های سیاسـی و مقررات آنهـا، آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های خویشتن درباره جامعه و نهادهای مختلف آن و خلاصه تصویری از موقعیت خویش در جهان سیاست (مهرداد، ۱۳۷۶، ص۲۹).

۳. دوره جوانی

شـخصیت سیاسـی و دیدگاه‌های اعتقادی و ارزشـی در هجده سـالگی شکل‌گرفته اسـت و افراد الگوهای خود را شـناخته و برگزیده‌اند؛ به گونه‌ای که غالب افراد در آغاز نوزده سـالگی، بیشـتر به کسـب اطلاعات و معلومات لازم درباره چارچوب فکری و سیاسـی آرمانی خود می‌پردازند؛ زیرا یادگیری قبل از هجده سالگی نمی‌تواند برای فعالیت‌های و مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی افراد کافی باشـد (منصوری، ۱۳۷۹، ص۱۰۰). در چنین سـنی است که شخص با دنیای سیاست رابطه عمیق برقرار می‌کند و شـناخت او از سیاست با شـناختی که بزرگسالان از سیاست دارند کم‌وبیش یک‌سـان اسـت (مهرداد، ۱۳۷۶، ص۶۴). جوانان به سـبب برخورداربی از روحیه آرمان‌گرایی و کمال‌طلبی، چندان واقع‌گرا و آینده‌نگر نیستند و به همین سبب اقدامات متهورانه، سنگین و سخت را می‌پذیرند و برای تحقق اهداف موردنظر تلاش‌های خستگی‌ناپذیر می‌کنند. بارزترین و قوی‌ترین مجموعه جوانان، دانشجویان هستند (منصوری، ۱۳۷۹، ص۱۰۰). تربیت سیاسی در این زمان به طور عمیقی با حوزه عمل درگیر اسـت و اهداف مشخص‌شـده در این مقطع سنی مستقیماً سیاسی هستند. این اهداف بدین قرارند:

۳-۱. مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری در حوزه سیاست، بخشی از تعهد مدنی است که افراد جامعه در قبال هم آن را مد نظر قرار می‌دهند. دیانت با مسـئولیت رابطه عمیق دارد. بر اسـاس آموزه‌های دینی مسئولیت انسان از چند لحاظ مهم است:

۱. مسئولیت او در برابر خداوند که مقتضای ربوبیت تشریعی الهی؛

۲. مسـئولیت او در برابـر دیگـر اعضای جامعـه که در فراینـد اصلاح و بهتر شـدن وضعیت اجتماعی بکوشد.

در ایـن زمینه پیامبر گرامی اسـلامﷺ می‌فرماید: «مَـنْ أَصْبَحَ لَا یهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْـلِمِینَ فَلَیسَ بِمُسْـلِم» (کلینی، ۱۴۲۹، ج۳، ص۴۱۷). بر اساس حدیث دیگری از پیامبر اکرمﷺ مسلمانان هر کدام نسـبت به هم وظیفه والی و رعیت را دارا هسـتند (شـهید ثانی، ۱۴۰۹، ص۳۸۰). محورهای مهم در مسئولیت‌پذیری بدین قرارند:

۱-۱-۳. پرهیز از بی‌اعتنایی

در تربیت اسلامی باید به این نکته توجه داد که بی‌اعتنایی و سکوت در مقابل آنچه در حوزه سیاست و جامعـه می‌گذرد، پذیرفته نیسـت و فـرد به عنوان عضوی از جامعه باید در قبال دیگران احسـاس مسئولیت کند. امام علیؑ می‌فرماید: «السَّاکتُ أَخُو الرَّاضِی وَمَنْ لَمْ یکنْ مَعَنَا کانَ عَلَینَا» (مفید، ۱۴۱۳، ج۱، ص۳۰۳)؛ چنان‌کـه در قـرآن کریم نیز بهانه افراد به دلیل اسـتضعاف در دنیا، پذیرفته نشده است (نساء: ۹۷).

۲-۱-۳. احساس اخوت و برادری

اخـوت و برادری از دیگر ویژگی‌هایی اسـت که جوانان جامعه اسـلامی باید بـا آن پرورش یابند. روحیه مشارکت در شادی و غم دیگران به عنوان برادران ایمانی، از ویژگی‌های منحصربه‌فرد جامعه اسلامی است. از این منظر جامعه اسلامی همانند پیکر واحدی است که افراد در آن به عنوان اعضا قـرار گرفته‌انـد و هرگاه عضوی از این بدن بـه درد آید، آرامش از دیگران گرفته خواهد شـد. امام صادقؑ فرمود: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ کالْجَسَـدِ الْوَاحِدِ، إِنِ اشْـتَکی شَـیئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذلِک فِی سَائِرِ جَسَدِهِ، وَأَرْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج۳، ص۴۲۵).

۳-۱-۳. عهده‌داری مسئولیت‌های سیاسی

مهم‌ترین حوزه از مسـئولیت‌پذیری، عهده‌دار شدن سمت‌های اداری است. ادارات دولت هر کدام به منزله یکی از دسـتگاه‌های بدن هسـتند. هر متشرعی مکلف اسـت خود را برای حُسن اداره امور در حـدی کـه برایش مقدور اسـت آماده کنـد تا کارها به دسـت نااهلان و افـراد غیرمتعهد نیفتد و اگر مدیریت امور به دسـت نااهلان بیفتد و از این لحاظ فسـق و فجور شـایع گردد، دیگران نیز در معرض سـؤال‌اند. بنابراین ایجاد آمادگی در خود و تربیت افراد مسـتعد برای اداره امور مسـلمین، یکی از هدف‌های تربیتی اسـت (آموزگار، ۱۳۷۶، ص۱۳۰). پیامبر گرامی اسلامﷺ در نظر گرفته نشدن شایستگی در احراز مسئولیت‌ها را علاوه بر خیانت به خدا و رسول، خیانت به امت اسلامی

دانسته است: «من تقدّم علی المسلمین وهو یری أنّ فیهم من هو افضل منه، فقد خان اللّه ورسوله والمسلمین» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج۲، ص۵۸۵). آنچه مهم می‌نماید، این است که تربیت هم بتواند آمادگی لازم را برای احراز مسئولیت‌ها در جوانان ایجاد کند و هم نحوه به کار گرفتن شدن افراد را به آنان بفهماند که بر اساس تعهد و تخصص کافی انجام شود.

مسئولیت‌پذیری یک کلی دارای تشکیک است که کیفیت آن را ساختار نظام سیاسی، توانمندی‌های شخص شهروند و موقعیت موجود در بستر زمان و مکانی خاص مشخص می‌کند. براین‌اساس کسانی که در موقعیت‌های بزرگ‌تری قرار دارند و یا از توانمندهای سیاسی بیشتری برخوردارند، مسئولیت بیشتری در قبال سرنوشت جامعه دارند. پیامبر اسلام۶ نیز به آگاهان جامعه هشدار داده است که در صورت پدید آمدن انحرافات و بدعت‌ها در جامعه، ساکت نباشند وگرنه مورد لعنت خداوند قرار خواهند گرفت: «اذَا ظَهَرَتِ الْبِدَعُ فِی أُمَّتِی فَلْیظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ یفْعَلْ فَعَلَیهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج۱، ص۱۳۵). براین‌اساس ورود به عرصه فعالیت سیاسی، باید متناسب با سن و سال افراد کانون توجه قرار گیرد. در آغاز جوانی آنچه انتظار می‌رود، پذیرش مسئولیت‌های سبک و آمادگی برای مسئولیت‌های سنگین است که این آمادگی نیازمند تمهیداتی است که جوانان به لحاظ آموزشی، کسب تجربه، برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی لازم به دست می‌آورند تا در آینده نزدیک، مسئولیت‌های بزرگ و بزرگ‌تری عهده‌دار شوند؛ اما با ورود به مرحله بزرگسالی مسئولیت‌پذیری به حوزه فعلیت‌رسانی استعدادها و توانمندی‌ها نزدیک و نزدیک‌تر می‌گردد. به‌این‌ترتیب بزرگسالان هستند که موقعیت‌های سیاسی ویژه را به دوش می‌گیرند. عهده‌داری موقعیت‌های راهبردی چون نهاد رهبری، ریاست‌جمهوری، سمت‌های وزارت و مشاورت، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، ریاست تشکل‌ها، انجمن‌ها و احزاب سیاسی، برخی موقعیت‌های ویژه سیاسی هستند که تربیت سیاسی در عرصه مسئولیت‌پذیری بدانها توجه می‌کند.

۲-۳. مشارکت سیاسی

در تعریفی مختصر، مشارکت سیاسی عبارت است از: «درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی» (راش، ۱۳۷۷، ص۱۲۳). مؤلفه مشارکت سیاسی، فعالیت‌های سیاسی شهروندان (از پایین به بالا) را در نظر دارد. مشارکت سیاسی، به عنوان هدف بر این نکته تأکید دارد که جوانان در عرصه تربیت سیاسی، به گونه مشارکت‌کننده در حوزه سیاست تربیت شوند. مشارکت سیاسی عنوانی است منتزع از گونه‌های مختلف فعالیت سیاسی که

بسیاری از این عناوین مستقیماً در متون دینی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۱-۲-۳. مشارکت در انتخابات

انتخابات یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مشـارکت سیاسـی است که شهروندان بر اساس ملاک‌های خود افرادی را گزینش می‌کنند. باید توجه کرد که انتخابات اساساً پدیده‌ای جدید نیست و در تاریخ سیاسی اسلام بیعت از چنین جایگاهی برخوردار بوده است. بیعت عبارت است از پیمان بستن برای فرمان‌بـری و اطاعت (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵، ج۱، ص۴۰۰). با توجه به مطالب بیان‌شـده در تعریف کلمه بیعت و مصداق‌های تاریخی‌اش، مشـخص می‌شود که شباهت‌هایی میان انتخابات و بیعت وجـود دارد. اگر بپذیریم کـه بیعت پیمانی دوطرفه میان حاکم و اتباع اسـت، در این صورت رابطه بیعـت و انتخابات نزدیک اسـت و دلایلی که برای بیعت و چگونگـی آن آمده، درباره انتخابات نیز جریان خواهد داشـت. ازآنجاکه در برخی موارد بیعت‌کنندگان شرایطی برای بیعت ذکر می‌کردند، معلوم می‌شـود که بیعت صرفاً اعلام اطاعت نیسـت و دسـت‌کم عام‌تر از آن اسـت؛ بلکه به‌نوعی حاکی از تعهد دو طرف می‌باشـد. در گذشـته قرار دادن دست روی دست، به عنوان نماد این میثاق شناخته می‌شده است و امروزه این نماد می‌تواند برگ رأی‌دهی باشد.

در نگاه تربیتی به مقوله انتخابات (به عنوان بخشی مهم از مشارکت سیاسی)، مهم‌ترین وظیفه تربیتـی اهمیت مشـارکت در انتخابات و ملاک‌هـای گزینش نامزدهای انتخاباتی اسـت. توجه به ملاک‌هـا مهم‌تـر از اولی، بلکه تعیین‌کننده جهت خصیصه مشـارکت اسـت. ازایـن‌رو در تربیت سیاسی، معرفی ملاک‌های مطلوب سیاسی از اهمیت والایی برخوردار است. توجه به ساده‌زیستی، پرهیز از ریاست‌طلبی، نداشتن پیوندهای نامطلوب خانوادگی، حزبی و صنفی، و استفاده از وسایل مشروع برای پیروزی در انتخابات، بخشی از این معیارها هستند.

۲-۲-۳. نصیحت‌گری

خیرخواهـی کـه در متون دینی از آن به نصیحت تعبیر شـده از دیگر وظایف مسـلمانان اسـت که می‌توانـد در حوزه‌هـای مختلف سیاسـت و جامعه مدنظر قـرار گیرد. رفتـار خیرخواهانه در حوزه مشـارکت سیاسـی به این معناست که شـهروندان و دولتمردان جامعه اسـلامی، رفتارهای سیاسی خـود را به‌گونـه‌ای تنظیـم و عملـی کنند که در آن خیـر جامعه اسـلامی مدنظر قرار گرفته باشـد. نصیحت وظیفه‌ای همگانی اسـت و کسـی از دایره آن بیرون نیسـت. روایات فراوانی در این زمینه وارد شـده اسـت. در برخی روایات، نصیحت مؤمنان نسبت به همدیگر واجب شمرده شده است.

برای نمونه، امام صـادق(ع) می‌فرماید: «یجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَی الْمُؤْمِنِ أَنْ ینَاصِحَهُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج۳، ص۵۲۹). در برخی دیگر از روایات، به سـبب مهم بودن مسـئله سیاسـت و میزان اهمیت و تأثیرگذاری سیاسـت بر حیات افراد بشر، نصیحتِ رهبران جامعه اسلامی بیشتر سفارش شده و در کتب حدیثی، بابی اختصاصی با عنوان «النصیحة لائمة المسلمین» وجود دارد.

پیامبر گرامی اسـلام(ص) نصیحت را از امور مهمی می‌داند کـه در کنار عبادت خداوند و اتحاد جامعه اسـلامی، مورد رضایت الهی قـرار دارد (مشـکینی، ۱۴۲۴، ص۲۴۲). امام علی(ع) نیز به مقوله نصیحت توجه فراوانی داشـت و در یکی از خواسـته‌های خود به صالحان اصحابش، چنین می‌فرماید: «پس مرا، با خیرخواهی خالصانه و سـالم از هرگونه شـک و تردید، یاری کنید. به خدا سوگند من به مردم از خودشان سزاوارترم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۱۸). به‌این‌ترتیب نصیحت رهبران جامعه اسلامی از اموری است که مسلمانان همیشه باید به آن توجه داشته باشند.

آنچه باید در نصیحت به عنوان هدف تربیتی مورد توجه قرار گیرد، ویژگی خالص بودن نصیحت است. خالص بودن نصیحت به این معناست که غرض اصلی کنشگر، خیرخواهی باشد و از دیگر سـو هیچ‌گونه آمیختگی‌ای با منافع شخص و جناحی نداشته باشد و از هر گونه تملق و مداهنه‌گری پیراسته باشد: «فأعینونی بِمُناصَحَةٍ جَلِیةٍ خَلِیةٍ مِنَ الغِشِ» (احمدی، ۱۴۲۶، ج۲، ص۳۵۹). پاکی نصیحت از آلاینده‌های سیاسـی، از محورهای مهم در تربیت سیاسـی است. درواقع خالص بودن نصیحت به این نکته اشـاره دارد که نمی‌توان عقده‌گشـایی‌های حزبی و لجاجت‌های سیاسـی را با اسـتفاده از مؤلفه نصیحت ائمه مسـلمین انجام داد و در پوشـش این عنوان با اسـتفاده از امکانات (به‌ویژه رسانه‌های جمعی)، شخصیت‌های سیاسی، سازمان‌ها، تشکلات و فعالان سیاسی را مورد هجوم تبلیغاتی قرار داد.

می‌توان سازوکار تربیتی نصیحت را در سه سطح در نظر گرفت:

۱. سـطح عمومی آن مربوط به همگان است که عموم شهروندان باید نسبت به دولت و نسبت به همدیگر خیرخواهی را مبنای عمل خود قرار دهند؛

۲. نهادهایی که باید به صورت دائمی و تخصصی، خیرخواهی جامعه اسلامی و اقتضائات آن را در حوزه دولت و جامعه بررسی کنند؛

۳. سـطح انتقادی آن مربوط به اصحاب رسانه‌های جمعی است که باید بر اساس نصیحت و خیر خواهی، مطالب خویش را بازتاب دهند.

۳-۲-۳. اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر

از مؤلفه‌های مهم در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی، دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. تربیتی بودن این دو فریضه از این لحاظ است که افراد از ابتدا وجود چنین حقی را در جامعه برای دیگران بپذیرند و سپس به انجام آن مبادرت ورزند. اگر این ویژگی تربیتی از امر به معروف و نهی از منکر گرفته شود، مرتکبان منکر به‌راحتی می‌توانند بگویند که هر چه می‌خواهند انجام می‌دهند و به کس دیگری ارتباطی ندارد. دستگاه تربیتی باید بتواند ولایت مؤمنان در جامعه را به گونه‌ای صحیح به افراد منتقل سازد.

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های نیکوی مسلمانان را دعوت به خیر و امر به معروف ذکر کرده است: «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: «به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید و به خدا ایمان دارید» (آل عمران: ۱۱۰). در آیه دیگر به مؤمنان ولایت داده شده تا امر به معروف و نهی از منکر کنند: «و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند» (توبه: ۷۱). روایت‌های فراوانی درباره این دو فریضه وارد شده که از اهمیت ویژه آنها حکایت می‌کنند. پیامبر ﷺ فرمود: «اگر امتم امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده دیگران بگذارند، منتظر بلا و مجازات الهی باشند» (عاملی، ۱۴۰۹، ج۱۶، ص۱۱۸). امام علی ؑ نیز هلاک و نابودی امت‌های پیشین را ناشی از ترک این دو فریضه الهی دانسته است (همان، ص۱۲۰).

در حدیثی از امام باقر ؑ این دو فریضه تکیه‌گاه احکام الهی اعلام شده‌اند: «امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه‌ای عظیم می‌باشد که انجام واجبات دیگر بسته به آن است» (همان، ص۱۱۹). در واقع پشتوانه انجام معروف و دوری از منکر در جامعه اسلامی، همین دو فریضه الهی است. در چنین جامعه‌ای ازآنجاکه افراد بر اساس ویژگی‌های تربیتی اسلام تربیت شده‌اند، ارتکاب جرایم سیاسی، جناح‌بندی‌های نامطلوب، بهره‌برداری‌های ناشایست از امکانات عمومی و بسیاری از آلاینده‌های دیگر سیاسی با سکوت و بی‌اعتنایی روبه‌رو نمی‌شود.

وجود چنین باوری در جامعه است که به مراقبت دائم از ارزش‌ها و هنجارهای دینی می‌انجامد و چنین است که در احادیث، از تلازم امر به معروف و نهی از منکر با پیشرفت سیاسی یاد شده است. آن‌گونه که حضرت علی ؑ به فرزندانش در بستر شهادت وصیت کرده، انجام ندادن این دو فریضه بزرگ الهی، سبب عقب‌گرد جامعه می‌شود: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدان شما

بر شما مسلط می‌گردند؛ آن‌گاه هر چه خدا را بخوانید پاسخ ندهد» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷).

حضرت در حدیثی دیگر، نسبت به فعالان سیاسی حساسیت ویژه‌ای نشان می‌دهد و چنین تفکیک می‌کند که انجام منکرات از سوی خواص به گونه‌ای که در انظار عموم باشد و مردم نسبت به آن واکنشی نشان ندهند، موجب عقوبت برای هر دو می‌شود (صدوق، ۱۴۰۶، ص۲۶۱؛ صدوق، ۱۳۸۵، ج۲، ص۵۲۱). شاید در توجیه این تفکیک، این نکته نهفته باشد که ارتکاب منکر از سوی خواص به صورت علنی، موجب زوال احکام دینی می‌شود و اگر قرار باشد کسانی که وظیفه صیانت از دین را دارند خود به دستورهای دینی متدین نباشند، دیگر تضمینی برای ارتکاب جرائم وجود نخواهد داشت. افزون بر آنکه هنجارشکنی خواص، خود مشوقی برای هنجارشکنی در جامعه می‌شود و این درنهایت سبب عقبگرد و سیر قهقرایی جامعه دینی می‌شود.

۳-۳. بصیرت‌افزایی

بصیرت در اصل به معنای علم و یقین آمده است و منظور از آن، داشتن درک صحیح از دین و عوامل زمانی و مکانی است. سفارش‌های اکید پیشوایان دینی درباره بصیرت فراوان است و البته اختصاصی به حوزه سیاست ندارد. بصیرت امری کلی و عام است که حوزه سیاسی، بخشی از آن را تشکیل می‌دهد. امام علی(ع) درباره اهمیت بصیرت می‌فرماید: «ذَهَابُ الْبَصَرِ خَيرٌ مِنْ عَمَى الْبَصِيرَةِ» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص۴۱). در حدیث دیگری از امام صادق(ع) چنین روایت شده است: «الْعَامِلُ عَلَى غَيرِ بَصِيرَةٍ كالسَّائِرِ عَلَى غَيرِ الطَّرِيقِ لَا يزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيرِ إِلَّا بُعْداً» (کلینی، ۱۴۲۹، ج۱، ص۱۴۶). بصیرت امروزه که سیاست پیچیدگی‌های فراوان پیدا کرده و از سوی دیگر تحت تأثیر رسانه‌های جمعی قرار گرفته، از اهمیت فراوانی برخوردار است.

بصیرت را با توجه به متون روایی می‌توان داری سه جزء دانست:

۱. شناخت حق: نخستین مؤلفه مهم در بصیرت، شناخت حق است. بصیر کسی است که حق را بشناسد و بر اساس حق، اشخاص و موضع‌گیری‌های سیاسی را ارزیابی کند. در جنگ جمل که برخی از دشمنان حضرت علی(ع) از کبار صحابه بودند و عایشه نیز در جبهه مقابل امام قرار داشت، شناخت حق دشوار شد و به همین سبب برخی دچار حیرت و سردرگمی شدند که از جمله آنان، حارث بن حوط بود. او با مشاهده وضعیت پدیدآمده خدمت امام(ع) آمد و با سردرگمی پرسید که آیا طلحه، زبیر و عایشه در جبهه باطل‌اند؟ امام(ع) پاسخ داد: «یا حارث إنه ملبوس علیک، وإن الحق والباطل لا یعرفان بالناس، ولکن اعرف الحق تعرف أهله، واعرف الباطل تعرف من أتاه» (یعقوبی، بی‌تا، ج۱، ص۱۹۲). در این حدیث امام

یادآور می‌شود که حق را نباید با اشخاص سنجید، بلکه اشخاص را باید با حق ارزیابی کرد و زمانی که در این ارزیابی اشخاص ناحق تشخیص داده شدند، باید آن را پذیرفت و از عناوین و سوابق افراد هراسی به دل راه نداد.

۲. شناخت دشمن: هر کس از دشمن شناخت بیشتری داشته باشد، از بصیرت بیشتری برخوردار است. پیامبر اسلامﷺ فرمود: «الا و إن أعقل الناس عبد عرف ربه فاطاعه وعرف عدوه فعصاه» (دیلمی، ۱۴۰۸، ص۳۳۷). امام علیؑ در این زمینه فرمود: «کمال الحزم استصلاح الاضداد ومداجاة الاعداء» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص۵۹۲). شناخت دشمن در وضیعت کنونی از اهمیت بسیاری برخوردار است. امروز که مرزهای جغرافیای اهمیت خود را از دست داده‌اند و دشمن به گونه‌های مختلفی در درون امت اسلامی حضور دارد، شناخت آن و کسانی که در صف آن قرار می‌گیرند، اهمیت حیاتی دارد. دشمن را هیچ‌وقت نباید نادیده و دست‌کم گرفت: «الواحد من الاعداء کثیر» (همان، ص۳۰۰) و هرگز نباید از حیله‌های مخفی آنان غفلت ورزید: «شرّ الاعداء ابعدهم غورا، واخفاهم مکیدة» (همان، ص۱۸۸)؛ به‌ویژه با توجه به آنکه در روزگار ما، این حیله‌ها بسیار دقیق و ماهرانه طراحی می‌شوند.

۳. زمان‌شناسی: به مجموعه‌ای از شرایط پدیدآمده در زمان و مکان خاص اطلاق می‌گردد. تأثیر شرایط زمانی و مکانی حتی در استنباط احکام شرعی، مورد توجه مجتهدان شیعی قرار دارد و یکی از ضرورت‌های اجتهاد نیز همین مسئله است. در فعالیت سیاسی نیز درک موقعیت زمانی و مکانی از اهمیت لازم برخوردار است و به همین دلیل است که در حدیثی از امام صادقؑ روایت شده است: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيهِ اللَّوَابِس» (حرانی، ۱۳۶۳، ص۳۵۶).

سه مؤلفه شناخت حق، شناخت دشمن و شناخت زمان، ممکن است در شرایط خاص با هم مورد نیاز باشند و این شرایط، خود یکی از انواع فتنه است. میان شناخت حق، شناخت دشمن و شناخت زمان، تأثیر و تأثری متقابل وجود دارد. هر چقدر شناخت حق تأمین شود، شناخت دشمن آسان‌تر است و شناخت حقیقت و دشمنان حقیقت می‌تواند در شناخت فتنه‌ها کمکی شایان داشته باشد.

۴. بزرگ‌سالی

دوره بزرگ‌سالی، دوره تثبیت شخصیت سیاسی افراد است. در این مقطع شخصیت، دیدگاه‌ها و گرایش‌های اجتماعی و سیاسی افراد در آغاز دوران بزرگ‌سالی و گذشتن از ۲۵ سالگی شکل

می‌گیـرد و بسـیاری از افـراد با انتخاب شـغل و عضویت در گروهـای اجتماعـی، تقریباً موقعیت تثبیت‌شده‌ای می‌یابند. در این دوران فعالیت‌ها بیشتر در جهت تقویت و تحکیم جریان اجتماعی-سیاسـی موردنظر فرد انجام می‌شـوند و تغییر و تحول در دیدگاه‌ها و مواضع، بسیار کم و در شرایط خاص روی می‌دهد (منصوری، ۱۳۷۹، ص۱۰۴).

۱-۴. تقوای سیاسی

دوران بزرگسـالی از دوره‌های بسـیار مهم تربیت سیاسی است. در این دوره سنی از سویی احساس آرمان‌گرایی فرد کمتر می‌شود و از سوی دیگر فرد به سبب جست‌وجوی شغل برای خود و پیش بردن مسـئولیت‌های زندگی و افزون شـدن تعلقات دیگر چون خانواده و فرزنـدان، با زمینه‌های انحراف بیشـتری روبه‌روسـت. گرچه رعایت تقـوا در هیچ دوره‌ای نباید مغفول قرار گیـرد و باید به آن توجه کرد، اما تأکید بر آن در این مقطع سنی به سبب اهمیت فزاینده آن است. بیشتر سمت‌ها و مناصب، به‌ویژه سـمت‌های عالی‌رتبه، در همین سـن و سـال اسـت که به افراد واگذار می‌شوند و بسیاری از کسانی که در فسادهای بزرگ سیاسی گرفتار شده‌اند، در همین مقطع زمانی قرار داشته‌اند.

فعالان سیاسـی نباید عرصه سیاست را فرصت بهره‌برداری بینگارند و هرچه می‌توانند از مال و دارایی‌هـای عمومی به نفع خود بهره‌برداری کنند. بایـد به این فرمایش حضرت علی(ع) توجه کرد که درباره حکومت، با اشـاره به کفش کهنه‌اش فرمود: «وَاللَّهِ لَهِی أَحَبُّ إِلَی مِنْ إِمْرَتِکمْ إِلَّا أَنْ أُقِیمَ حَقّـاً أَوْ أَدْفَـعَ بَاطِلاً» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۳). امیدواری به جهـان آخرت، ترس از عذاب الهی و اقتدا به سـیره پیامبر و امامان معصوم(ع) می‌تواند فعالان سیاسی را در رعایت تقوای الهی در عرصه سیاسـت یاری رساند. دسـتورهای اکید امام علی(ع) به مالک اشـتر برای خودسازی، بهترین دلیل اثبات این مدعاست که برای اداره صحیح اجتماع و سعادت‌بخشی به زندگی اجتماعی، صلاحیت و شایسـتگی مجریان قوانین مؤثرتر و مهم‌تر از خود آن قوانین اسـت (جعفری، ۱۳۶۹، ص۱۲۴). در زمینه رعایت تقوای الهی، امام علی(ع) به فرماندارانش سفارش می‌کند که حکومت امانت الهی است و هر نوع خیانت در آن، موجب خذلان در دنیا و آخرت می‌شود (نهج‌البلاغه، نامه ۲۶).

۲-۴. مشورت‌دهی

مشـورت و شورا در لغت از «شارالعسل» گرفته شـده و به معنای بیرون آوردن عسل از کندوست و وجه شـباهتِ معنای لغوی و اصطلاحی این واژه آن اسـت که در مشـورت، راه درسـت و متقن، از طریـق نظرخواهی از عقلا و خردمندان به دسـت می‌آید (طریحـی، ۱۳۷۵، ج۳، ص۳۵۴). قرآن

کریم مشـورت کردن را از اوصاف مؤمنان دانسـته و در آیه‌ای دیگر به نبی مکرم اسـلام دستور داده شده که در کارهایش با مردم مشورت کند (آل‌عمران: ۱۵۹).

احادیث واردشـده درباره مشورت، فراوان اسـت؛ هم درباره مشورت به‌طور مطلق و هم درباره مشـورت در امور سیاسی. از پیامبر اسلام ﷺ روایت‌شده که فرمود: «تَذَاکرُوا وَ تَلَاقَوْا وَ تَحَدَّثُوا فَإِنَّ الْحَدِیثَ جِلَاءٌ لِلْقُلُوبِ إِنَّ الْقُلُوبَ لَتَرِینُ کمَا یرِینُ السَّیفُ جِلَاؤُهَا» (کلینی، ۱۴۲۹، ج۱، ص۹۹). امام علی ؑ اهمیت مشـورت را چنین بیان نموده اسـت: «آن که پیشـاپیش رأی‌ها تاخت، درست را از خطا بازشـناخت» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۷۳). همچنین آن حضرت اسـتبداد و خودرأیی را نکوهش کرده اسـت: «هر که خودرأی گردید به هلاکت رسـید و هر که با مردمان، رأی برانداخت خـود را در خرد آنان شـریک سـاخت» (همان، حکمت ۱۶۳). در سـیره عملـی پیامبر ﷺ و ائمه معصومین ؑ نیز توجه ویژه‌ای به مشـورت شـده اسـت. به همین سـبب یکی از جمله‌هایی که در تعریف آن حضرت آمده، چنین اسـت: «کان رسـول الله ﷺ کثیر المشـاورة لاصحابه» (سـیوطی، ۱۴۱۶، ص۷۳)؛ پیامبـر با یارنش زیاد مشـورت می‌کرد. از نمونه‌های آن می‌توان به مشـورت‌های حضرت در اغلب جنگ‌ها مانند جنگ بدر، احد و احزاب اشاره کرد (ر.ک: ابن‌هشام، بی‌تا، ج۲، ص۱۹۹-۲۰۴).

یک هم‌رأی مطلوب، باید ویژگی‌هایی داشـته باشـد تا بتواند در تربیت سیاسی مورد توجه قرار گیرد. نشانه‌های وارده در این زمینه، برخی ناظر به مشاوران است که بیانگر اهمیت شخص مشاور اسـت و برخی دیگر به خود مقوله مشـورت نظر دارد. امام صادق ؑ درباره فردی که مورد مشورت قـرار می‌گیرد، احراز چهار شـرط عقل، تدین، برادری و رازداری را لازم دانسـته اسـت (طبرسـی، ۱۴۱۲، ج۲، ص۹۸). امـام علـی ؑ در نامـه به مالک، ویژگی‌های مهمی را برای مشـاور در نظر گرفته است:

> بخیل را در مشـورت کـردن دخالت نده، که تو را از نیکوکاری بازمی‌دارد و از تنگدسـتی می‌ترسـاند. ترسو را در مشورت کردن دخالت نده، که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کنـد. حریص را در مشـورت کردن دخالت نده، که حرص را با سـتمکاری در نظرت زینـت می‌دهـد. همانا بخـل و ترس و حـرص، غرایز گوناگونی هسـتند که ریشـه آن‌ها بدگمانی به خدای بزرگ است (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

براین‌اساس تربیت باید بتواند جوانان جامعه اسلامی را از بخل، ترس و حرص پاک نگاه دارد. مشـورت سیاسی تمایز آشـکاری با اظهارات تصنعی، متملقانه و فریبنده دارد که همه این ویژگی‌ها خصیصه حقیقت‌خواهی مشورت را می‌گیرد. ازاین‌رو لازم است جوانان در تربیت سیاسی به‌گونه‌ای

پرورده شوند که از تصنع و ریاکاری پیراسته گردند. جوانان جامعه اسلامی باید از همان ابتدا درکی صحیح از مشورت داشته باشند و مرز واضحی میان این مؤلفه دینی و تملق‌های سیاسی که بخشی از فرهنگ سیاسی را تشکیل می‌دهد، ترسیم کنند. امیرالمؤمنین به مالک اشتر سفارش می‌کند که نزدیک‌ترین فرد به شما باید کسی باشد که تلخی حق را با صراحت هرچه بیشتر به شما برساند (همان) و چنین است که امام صادق(ع) بهترین دوست را کسی می‌داند که عیب‌های شخص را به وی بگوید (کلینی، ۱۴۲۹، ج۴، ص۶۸۷).

تربیت در نظام سیاسی مبتنی بر دین آشکارا را باید میان فرهنگ سیاسی سلطنت و استبداد و نظام مبتنی بر دین تمایز بگذارد. امام علی(ع) خطاب به مردم فرمود:

> پس با من چنان‌که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، حرف نزنید و چنان‌که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند دوری نجویید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید، بر من گران آید، یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم؛ زیرا کسی که شنیدن حق، یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن، برای او دشوارتر خواهد بود. پس از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۴).

۳-۴. انتقال تجربیات سیاسی

تجربیات افراد در حوزه سیاست بخشی از علم سیاست است؛ به‌ویژه در ابعاد عملی و کاربردی‌تر سیاست. سیاست رابطه نزدیک با مهارت دارد و تجربه در آن مهم است. تجربیات سیاسی شهروندان به‌ویژه از سوی مسئولان سیاسی که در حوزه‌های سیاسی دست‌وپنجه نرم کرده‌اند، می‌تواند برای شهروندان دیگری که به‌تازگی به این حوزه‌ها روی آورده‌اند سودمند و نتیجه‌بخش باشد. در قرآن کریم در مواردی بسیاری به عبرت گرفتن از سرگذشت پیشینیان توجه داده شده است (برای نمونه، ر.ک: دخان، ۲۵-۲۹). امام علی(ع) می‌فرماید: «در تجربه دانشی تازه نهفته است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۸، ص۲۲). همچنین از امام حسین(ع) روایت شده است که تجربه‌های طولانی سبب افزایش خرد می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۷۸، ص۱۲۸).

نتیجه‌گیری

زندگی مدنی بستر شکوفایی استعدادهای انسانی و فراهم‌کننده زمینه‌های دستیابی انسان به کمال است. این مهم زمانی حاصل می‌شود که سیاست و جامعه، شهروندان خود را در نظمی مطلوب

و مبتنـی بـر حقیقت تربیت کند. حقیقت را باید در منابع و متون دینی جسـت‌وجو کرد که هدف از القای آن به انسان نیز هدایت و تأمین سعادت اوست. نظام سیاسی برای رسیدن به چنین مطلوبیتی، اهدافی را در حوزه سیاست و با استفاده از منابع دینی تعریف می‌کند. اهداف تربیت سیاسی از همان آغاز زندگی انسـان آغاز می‌شـوند. هرچند در ابتدا تربیت سیاسـی از حوزه سیاست آغاز نمی‌کند، امـا به گونه‌ای غیرمسـتقیم در ارزش‌هـا و هنجارهای بسـیطی که کودکان با آن روبه‌رو می‌شـوند، حضور دارد. در اواخر دوره کودکی و آغاز دوره نوجوانی فعالیت‌های بسیط سیاسی به طور مستقیم در اهداف تربیت سیاسـی وارد می‌شـوند و به مثابه تحول و تثبیت شـخصیت فـرد، این ارزش‌ها و هنجارهـا نیز در او تثبیت می‌گردند. دوره جوانی دوره فعالیت‌های آرمان‌گرایانه سیاسـی اسـت که جوان با شور و شوق جوانی با حوزه سیاست درگیر می‌شود و تربیت سیاسی در این برهه بیش‌ازپیش نمود می‌یابد. در واپسـین مرحله که دوره بزرگ‌سـالی اسـت، نظام تربیت سیاسـی می‌کوشد فرد را آماده مسـئولیت‌های سیاسـی گرداند و همچنان مراقب اوست که بتواند مسئولیت خود را به بهترین وجه انجام دهد. در این زمان سیاسـت بخش از رندگی اجتماعی اوسـت و تبادل‌نظر و افکارش در بهتر شـدن حوزه سیاسـت اثر تعیین‌کننده دارد. تربیت سیاسی می‌کوشد از تجربه‌ها و اندوخته‌های شهروندان خود به عنوان منبعی در سیاست عملی استفاده کند و چنین است که این تجارب باارزش به دیگر شهروندان و فعالان سیاسی انتقال می‌یابد.

منابع

۱. **قرآن کریم**، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۲. **نهج‌البلاغه** (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی. قم: مشهور.

۳. آموزگار، محمدحسن (۱۳۷۶). **اسلام و تربیت عقلانی و اجتماعی**. تهران: انجمن اولیا و مربیان.

۴. ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). **مقدمه ابن‌خلدون**. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ هشتم.

۵. ابن‌هشام، عبدالملک (بی‌تا). **السیرة النبویه**. تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی. بیروت: دار المعرفة.

۶. احمدی، احمد (۱۳۶۸). **اصول و روش‌های تربیت در اسلام**. تهران: جهاد دانشگاهی. چاپ دوم.

۷. احمدی، علی (۱۴۲۶). **مکاتیب الأئمة علیهم‌السلام**. قم: دار الحدیث.

۸. تمیمی، عبدالواحد (۱۳۶۶). **غرر الحکم و درر الکلم**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۹. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹). **حکمت اصول سیاسی اسلام**. تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.

۱۰. حر عاملی، محمد (۱۴۰۹). **وسائل الشیعه**. قم: مؤسسه آل البیت.

۱۱. حرانی، ابن‌شعبه (۱۳۶۳). **تحف العقول**. قم: جامعه مدرسین.

۱۲. حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۰). **الحیاه**. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۳. دبس، موریس (۱۳۷۴). **مراحل تربیت**. ترجمه علی‌محمد کاردان. تهران: دانشگاه تهران.

۱۴. دیلمی، حسن (۱۴۰۸). **أعلام الدین فی صفات المؤمنین**. قم: مؤسسة آل البیت.

۱۵. راش، مایکل (۱۳۷۷). **جامعه و سیاست**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.

۱۶. ری‌شهری، محمد (۱۳۸۵). **حکمت‌نامه کودک**. قم: دارالحدیث.

۱۷. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۶). **تفسیر الجلالین**. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.

۱۸. شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۰۹). **منیة المرید**. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.

۱۹. صدوق، محمد (۱۳۸۵). **علل الشرائع**. قم: کتابفروشی داوری.

۲۰. صدوق، محمد (۱۴۰۶). **ثواب الأعمال وعقاب الأعمال**، قم: دار الرضی. چاپ دوم.

۲۱. صدوق، محمد (۱۴۱۳). **من لایحضره الفقیه**. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ دوم.

۲۲. طبرسی، حسن (۱۳۷۰). **مکارم الأخلاق**. قم: دار الشریف الرضی. چاپ چهارم.

۲۳. طریحی، محمد (۱۳۷۵). **مجمع البحرین**. تهران: مرتضوی. چاپ سوم.
۲۴. کاظمی، یحیی (۱۳۷۷). **آموزش و پرورش در دوره خردسالی تا جوانی**. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۵. کلینی، محمد (۱۴۲۹). **الکافی**. قم: دارالحدیث.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). **بحار الانوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ دوم.
۲۷. مشکینی، علی (۱۴۲۴). **تحریر المواعظ العددیة**. قم: الهادی. چاپ هشتم.
۲۸. مفید، محمد (۱۴۱۳). **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**. قم: کنگره شیخ مفید.
۲۹. منصوری، جواد (۱۳۷۹). **آموزش و تربیت سیاسی**. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۳۰. مهرداد، هرمز (۱۳۷۶). **جامعه‌پذیری سیاسی**. تهران: پاژنگ.
۳۱. یعقوبی، محمد (بی‌تا). **تاریخ یعقوبی**. بیروت: دار صادر.